

زیبایی‌های کربلا

غیرت دینی، شجاعت، ایثار

سیدمحمدحسین راجی*

مقدمه

تاریخ بشر همواره شاهد تقابل دو جریان حق و باطل بوده و خواهد بود. در یک سو همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها و در سوی دیگر همه زشتی‌ها و بدی‌ها نمود پیدا می‌کند. حاملان جریان اول، انبیا و اولیاء علیهم‌السلام هستند که طلایه‌دار دین‌داری، عدالت، معنویت و ستم‌ستیزی‌اند و حاملان جریان دوم، حاکمان ستم‌پیشه و سلطه‌طلبانی همچون فرعون و نمرود به عنوان پرچمداران دین‌ستیزی، ظلم و جنایت هستند. این دو جریان، دو فرهنگ هستند: فرهنگ الهی و فرهنگ جاهلی. قیام کربلا نیز تقابل دو فرهنگ الهی و جاهلی است که یک سوی آن همه زیبایی‌ها، مانند غیرت، شجاعت، ایثار، آزادگی و بصیرت، و در سوی دیگر همه زشتی‌ها، مانند ستم و دنیاطلبی نمود پیدا می‌کند. در این نوشتار برخی از زیبایی‌های کربلا تبیین می‌شود.

۱. غیرت دینی

علمای اخلاق در تعریف غیرت گفته‌اند: «غیرت و حمیت؛ یعنی تلاش در نگهداری آنچه حفظش ضروری است. این صفت در قالب مطلوبش، از شجاعت، بزرگ‌منشی و قوت نفس انسان سرچشمه می‌گیرد و یکی از «ملکه‌های شریفه نفسانی است»^۱. اصل غیرت به دور از افراط و تفریط‌ها و کجروی‌ها، از جمله صفاتی است که در

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. ملامهدی نراقی؛ جامع السعادات؛ ج ۱، ص ۳۰۱.

احادیث، به خداوند نیز نسبت داده شده است.^۱ امیرالمؤمنین علیه السلام درباره غیرت فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيَغْرَوْ مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ»^۲ خداوند برای مؤمن غیرت می‌ورزد، پس او نیز باید غیرت آورد. هر کس غیرت نوزد، دلش وارونه است».

امام حسین علیه السلام علی‌رغم آن‌که می‌دانست جنایت‌بارترین ظلم علیه ایشان و خانواده مظلومشان انجام می‌شود؛ اما غیورانه از عزت اسلام دفاع نمود؛ زیرا وجود غیرت تا آن‌جا حیاتی است که اسلام، در تشریح احکام نیز به آن عنایت داشته است. رسول‌خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «آگاه باشید که خداوند، محرمات را حرام و حدود را وضع کرد و هیچ کس غیورتر از خدا نیست که از روی غیرت، زشتی‌ها را حرام کرده است».^۳

ستایش غیرت دینی در قرآن

قرآن درباره بعضی از جنگجویان با ایمان که فاقد وسایل لازم برای شرکت در میدان جنگ بودند، می‌فرماید:

وَأَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّلْتُمْ لِيَأْمُرُوا مَا يُنْفِقُونَ؛^۴ و نیز ایرادی نیست بر آن‌ها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی برای جهاد سوار کنی، گفتی: مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، ندارم! از نزد تو بازگشتند؛ در حالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود؛ زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند و با آن به میدان بروند.

«تفیض» در این آیه به معنای فرو ریختن فراوان است و آن، چیزی جز غیرت دینی نیست که در آموزه‌های دینی مورد توجه و اهمیت فراوان قرار گرفته است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام بعد از شنیدن خیر اهانت سربازان معاویه به زن ذمیه فرمود: «اگر مسلمانی به خاطر این حادثه بسیار دردناک از شدت تأسف بمیرد، جای سرزنش

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۵۳۵.

۲. محمد بن حسن حر عاملی؛ *وسایل الشیعه*؛ ج ۲۰، ص ۲۳۸.

۳. محمدباقر مجلسی؛ *بحارالانوار*؛ ج ۷۳، ص ۳۳۲.

۴. توبه: ۹۲.

ندارد؛ بلکه به نظر من سزاوار است».^۱

اگر غیرت دینی نباشد، دینی هم وجود ندارد؛ از همین روست که قرآن مسلمانان را به دفاع از مسلمانان مظلوم تشویق می‌کند:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا...^۲ چرا در راه خدا، و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد ستم‌دیده‌ای که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر مکه که اهلش ستمگرند، بیرون ببر.

واقعه عاشورا نمادی از غیرت دینی

واقعه عاشورا، نمادی از غیرت دینی است. علت ارزشمندی واقعه کربلا، از همین روست که امام حسین علیه السلام هر چه داشت، برای خدا داد و حضرت زینب علیها السلام پس از این واقعه فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»^۳ چیزی جز زیبایی ندیدم». رفتار یاران اباعبدالله علیه السلام در روز عاشورا نیز نمایشی از جلوه‌های زیبای غیرت دینی بود که آنان به واسطه غیرت، امام خود را تنها نگذاشتند.

غیرت دینی، فریضه الهی

غیرت دینی، فریضه‌ای است که در هیچ وضعیتی ترک شدنی نیست. حتی اگر انسان نتواند در عمل با متجاوزان به حریم دینی مبارزه کند، باید در قلب از آنان نفرت داشته باشد. آنانی که حتی این مرحله از غیرت را انجام ندهند، «مردۀ زنده‌نما» هستند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خداوند متعال، دو فرشته را مأمور کرد تا شهری را با اهلش ویران کنند. زمانی که به شهر رسیدند، فردی را یافتند که در حال دعا و تضرع در برابر خداوند بود. یکی از آن دو فرشته به دیگری گفت: «این فرد عابد را نمی‌بینی؟». آن دیگری گفت:

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۷۰.

۲. نسا: ۷۵.

۳. علی بن موسی ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ص ۲۰۱.

«می‌بینمش؛ ولی آنچه را که خدا به من دستور داده است، انجام می‌دهم». آن فرشته گفت: «ولی من تا زمانی که از خداوند متعال کسب تکلیف نکنم، دست به کاری نمی‌زنم». پس به خداوند متعال عرض کرد: «در آن شهر فردی را دیدم که در حال عبادت و تضرع بود». خداوند فرمود: «به آن چیزی که دستور دادم عمل کنید. فَإِنَّ ذَلِكَ رَجُلٌ لَمْ يَتَغَيَّرْ وَجْهَهُ غَضَبًا لِي قَطُّ؛^۱ چون آن فرد، به هیچ عنوان به خاطر من بر هیچ گناه و خطایی غضبناک و خشمگین نشده است و هیچ اقدامی در تغییر آن گناهان انجام نداده است.

یکی از دوستان شهید مهدی باکری درباره غیرت دینی او می‌گفت:

در پادگان سرباز بودم. روزی مهدی باکری به من گفت: «امشب بیا با تو کار دارم. باید کمی بنزین تهیه کنیم و با آن کوکتل مولوتوف درست کنیم». نفهمیدم آن‌ها را برای چه می‌خواهد. مدتی گذشت، خبر رسید که تمام مشروب‌فروشی‌های شهر یکی پس از دیگری آتش می‌گیرد. آن‌جا بود که فهمیدم مهدی باکری چه کار می‌خواست بکند.^۲

امام خمینی علیه السلام نیز نمونه و مصداق عینی غیرت دینی بود؛ چنان‌که در جریان سلمان رشدی، از همه مسلمانان غیور دعوت کرد تا علیه این توطئه استکباری قیام کنند و فرمان قتل سلمان رشدی را صادر کرد. پس از صدور فرمان قتل سلمان رشدی، مسئولان سیاست خارجی کشور خدمت امام علیه السلام رسیدند و عرض کردند: «آقا! این فتوای شما با قوانین دیپلماسی و موازین بین‌المللی سازگار نیست». امام علیه السلام فرمود: «به دَرَك. آبروی رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم رفت. هر چه می‌خواهد به هم بخورد. ای کاش خودم جوان بودم، می‌رفتم او را می‌کشتم!»^۳

۲. شجاعت

یکی دیگر از زیبایی‌های کربلا، شجاعت است. همه یاران امام حسین علیه السلام از بزرگ و کوچک، پیر و جوان، زن و مرد در نهایت شجاعت بودند تا آن‌جا که ترس، حتی

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۹۷، ص ۸۶.

۲. طه فروتن؛ یادگاران (کتاب مهدی باکری)؛ ج ۳، ص ۳.

۳. محسن قرائتی؛ خاطرات حجت‌الاسلام قرائتی؛ ج ۲، ص ۱۰۱.

برای لحظه‌ای در وجود آن بزرگواران راه نیافت.

شجاع کسی است که بیش از هر چیز، همیشه به خویشتن خویش و خواسته‌های گوناگون خود تسلط دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ؛^۱ شجاع‌ترین مردم کسی است که بر نفسش غلبه کند». کسی که مرتکب گناه می‌شود، شجاعت ندارد. شهدا که نماد شجاعت در برخورد با دشمن بودند، ابتدا در مبارزه با شیطان پیروز شدند؛ چنان‌که شهید علی چیت‌سازیان گفته است: «کسی می‌تواند از سیم‌خاردهای دشمن عبور کند که در سیم‌خاردهای نفس خود گیر نکرده باشد».^۲ در تاریخ نقل است روزی ملک‌شاه سلجوقی بر فقیهی وارد شد. حکیم سرگرم مطالعه بود و در برابر پادشاه تواضع نکرد. سلطان خشمگین شد و به حکیم گفت: «آیا نمی‌دانی من کیستم؟ من آن سلطان مقتدری هستم که فلان گردن‌کش را به خواری کشتم و فلان یاغی را به زنجیر کشیدم». حکیم خندید و گفت: «من نیرومندتر از تو هستم؛ زیرا من کسی را کشته‌ام که تو اسیر چنگال بی‌رحم او هستی». شاه با حیرت پرسید: «او کیست؟» حکیم به نرمی پاسخ داد: «آن، نفس است. من نفس خود را کشته‌ام و تو هنوز اسیر نفس اماره خود هستی و اگر اسیر نبودی، از من نمی‌خواستی پیش پای تو به خاک افتم و عبادت خدا بشکنم و ستایش کسی را کنم که چون من انسان است». ملک‌شاه از شنیدن این سخن شرمند شد و از خطای خود عذرخواهی کرد.^۳

شجاعت علما در حق‌گویی و دفاع از حق

شجاعت در مقابل دشمن، یکی از ویژگی‌های مهم مؤمنین است. علما و شهدا، انسان‌های شجاعی بودند. مرحوم حاج آقا مصطفی علیه السلام از قول امام خمینی علیه السلام چنین نقل می‌کرد: «وقتی مرا می‌بردند، بین قم و تهران ماشین از جاده بیرون رفت. من فکر کردم که می‌خواهند قضیه را خاتمه بدهند؛ ولی وقتی مراجعه کردم به قلبم، دیدم

۱. محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ ج ۴، ص ۳۹۵.

۲. سید محمد حسین راجی؛ زیبایی‌ها و زشتی‌های کربلا؛ ص ۹۴.

۳. همان؛ ص ۹۷.

هیچ تغییری نکرده است». وقتی پس از آزادی در سال ۱۳۴۳ در مسجد اعظم سخنرانی می‌کرد، فرمود: «والله! من به عمرم نترسیده‌ام. آن شبی هم که آن‌ها مرا می‌بردند، آن‌ها می‌ترسیدند. من آن‌ها را دلداری می‌دادم»^۱.

شجاعت شهدا رنگ و بوی دیگری داشت؛ شجاعتی که از جنس کربلایان بود. در زمستان ۱۳۶۱، معبر کمیل در منطقه فکه شاهد شهادت ۳۰۰ نفر از بهترین انسان‌های تاریخ از دو گردان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود؛ دو گردانی که کانال‌های فکه را برای همیشه به نام معبر کمیل جاودانه کردند. آنان با شجاعتی وصف نشدنی و تکیه بر خدا، خود را جاودانه تاریخ کردند. در خاطره‌ای از این دو گردان نقل است:

بی‌سیم‌چی گردان حنظله در آخرین لحظات، حاج ابراهیم همت را خواست. حاجی گوشی را به دست گرفت. صدای ضعیف و پر از خش خش را از آن سوی خط شنیدم که می‌گفت: «احمد رفت. حسین هم رفت. باطری بی‌سیم دارد تمام می‌شود. عراقی‌ها الان می‌آیند تا ما را خلاص کنند. من هم خداحافظی می‌کنم». حاج همت همان‌طور که به پهنای صورت اشک می‌ریخت، گفت: «بی‌سیم را قطع نکن؛ حرف بزن! هر چی دوست داری بگو، اما تماس خودت را قطع نکن!». صدای بی‌سیم‌چی را شنیدم که می‌گفت: «سلام ما را به امام برسانید. از قول ما به امام بگویید همان‌طور که فرموده بودید حسین‌وار مقاومت کردیم. ماندیم و تا آخر جنگیدیم»^۲.

۳. ایثار

یکی دیگر از زیبایی‌های کربلا، ایثار است. ایثار از مقام‌های والای انسانیت و به معنای بخشش به کسی، در چیزی که خود فرد به آن نیاز دارد، است.^۳ ایثار امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و یارانش در روز عاشورا، بی‌نظیرترین ایثار تاریخ بود. شاید سخت‌ترین ایثار، ایثار مال و جان باشد که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. غلامعلی رجایی؛ برداشت‌هایی از سیره امام خمینی عَلَيْهِ السَّلَام ج ۲، ص ۲۴۱.

۲. پایگاه خبری تحلیلی شهید خبر؛ «سلام ما را به امام برسانید»؛ ۱۳۹۴/۰۴/۰۵.

۳. <http://www.shahidnews.com/view/17419>

۳. ملا محمد مهدی نراقی؛ جامع السعادات؛ تعلیق و تصحیح سید محمد کلانتر؛ ج ۲، ص ۱۲۲.

الف. ایثار مال

نمونه‌های فراوانی از ایثار را می‌توان در سیره ائمه علیهم‌السلام دید، چنان‌که نقل است امام زین‌العابدین علیه‌السلام به انگور علاقه داشت و در عین حال بر اساس آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۱ همین میوه مورد علاقه خود را «انفاق» می‌کرد. امام صادق علیه‌السلام فرموده است:

علی بن الحسین علیه‌السلام از انگور خوشش می‌آمد. روزی مقداری انگور مرغوب و زیبا به مدینه آوردند. کنیز حضرت مقداری از آن را خرید و به هنگام افطار نزد ایشان آورد. حضرت از آن خشنود شد. قبل از این‌که دستش را به سمت آن دراز کند، نیازمندی به در خانه آمد. حضرت به آن کنیز فرمود: «این انگور را برای او ببر». کنیز گفت: «ای مولای من، مقداری از این انگور او را کفایت می‌کند». حضرت فرمود: «نه به خدا قسم! همه‌اش را برای او بفرست». فردا باز آن کنیز مقداری از همان انگور را خرید و برای امام علیه‌السلام آورد و باز نیازمند دیگری آمد و حضرت دستور داد و کنیز هم انگور را برای او فرستاد. باز کنیز انگور را خرید و در شب سوم آن را برای حضرت آورد، ولی دیگر نیازمندی نیامد. حضرت فرمود: «مَا فَاتْنَا مِنْهُ شَيْءٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ چیزی از آن ما فوت نشد والحمد لله»^۲.

نمونه‌هایی از ایثار مال

سه‌میه

یکی از دوستان شهید رضا شکری‌پور نقل می‌کند:

چند سهمیه حج داده بودند به سپاه. یکی از آن‌ها مال او بود. به او گفتم: «رضا، خوش به حالت! من توی خواب هم نمی‌بینم بروم مکه». چند روز بعد رضا آمد و گفت: «تو بقیع یادم می‌کنی؟». گفتم: «خاک عالم. بقیع؟! من؟». گفت: «آره دیگه!». گفتم: «چطوری؟». گفت: «خیلی ساده». رفته بود به جای اسم خودش، اسم مرا نوشته بود. از آن روز به بعد بچه‌ها به او می‌گفتند: «حاج رضا»^۳.

۱. آل‌عمران: ۹۲.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۴۶، ص ۹۰.

۳. حسن سجادی‌پور؛ ققنوس و آتش؛ ص ۲۸.

روحانی ایثارگر

یکی از روحانیون فداکار^۱ در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برای تبلیغ به یکی از روستاهای کشور رفت. آن‌جا آب آشامیدنی سالم و مناسب نداشت و ساکنان روستا برای تهیه آب، بسیار در زحمت بودند و بودجه‌ای هم برای تأمین آب لوله‌کشی نداشتند. او پس از مراجعت به قم، منزل مسکونی‌اش را فروخت و با پولش هزینه لوله‌کشی آن روستا را تأمین کرد و خود در خانه‌ای اجاره‌ای ساکن شد. او تا وقتی که از دنیا رفت، مستأجر بود. پس از وی، فرزندان او نیز تا مدتی مستأجر بودند.^۲

اهدای پول ماشین

پدر شهید رضا باقری، درباره روحیه ایثار فرزندش می‌گوید:

زمانی که آموزش رانندگی قبول شد، اوایل پیروزی انقلاب اسلامی بود. روزی گفت یک ماشین پیکان سواری هست که اگر توانایی خرید آن را داشتیم، می‌خریدم و با آن ماشین هم کار می‌کردم، هم پدر و مادر در مواقع نیاز از آن استفاده می‌کردند. مادر و خواهرش برای این‌که بتواند ماشین را بخرد، مقداری طلا داشتند؛ فروختند. من هم مبلغی تهیه کردم و به او دادم که خودروی مد نظرش را خریداری کند، اما مدتی گذشت و خبری از ماشین نبود. از او پرسیدم: «چرا ماشین را نخریدی؟». گفت: «پدر جان! انگار قسمت نبود که ماشین را بخرم. همین که برای خرید ماشین اقدام کردم، با خانواده‌ای مواجه شدم که صاحبخانه اسباب و اثاثیه آن‌ها را بیرون ریخته بود. آن پول را به آن خانواده دادم».^۳

ب. ایثار جان

مهم‌ترین و بالاترین نوع ایثار، ایثار جان است. تاریخ نمونه‌های فراوانی از چنین

۱. ظاهراً ایشان برادر آیت‌الله مشکینی رحمته‌الله، رئیس فقید مجلس خبرگان رهبری بوده‌اند.

۲. اکبر دهقان؛ هزار و یک نکته اخلاقی از دانشمندان؛ ص ۳۰۰.

۳. پایگاه نوید شاهد؛ «از ایثار مال تا ایثار جان»؛ ۱۳۹۶/۰۸/۲۰.

ایثارگرانی را به خود دیده است، از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا یاران باوفای اباعبدالله علیه السلام؛ از شهدای دفاع مقدس تا شهدای مدافع حرم. صحنه عاشورا، نمونه بارز و عینی ایثار جان است که در تاریخ بی مثال است.

خوابیدن روی سیم خاردار

شهید مهدی زین‌الدین، فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب علیه السلام درباره ایثار رزمندگان می‌گوید:

برای عملیات رفته بودیم که با مانع سیم خاردار برخورد کردیم و نتوانستیم معبر را باز کنیم. با تمام این اوضاع و احوال عملیات باید انجام می‌شد. مسئول دسته، برادران را جمع، و نظرخواهی کرد و به این نتیجه رسید که یک یا دو نفر باید روی سیم خاردار بخوابند و دیگران از رویشان رد شوند. همه برادران رزمنده برای خوابیدن بر روی سیم خاردار داوطلب شدند و مسئولشان دو نفر را انتخاب کرد. آن دو نفر به جای این که بر پشت بر سیم خاردار بخوابند تا درد کمتری بکشند، به صورت بر روی سیم‌ها خوابیدند. وقتی از آن‌ها سؤال کردند که چرا به صورت، روی سیم خاردار خوابیدند؟ گفتند: «برای این که بچه‌ها نگاهشان به صورتمان نیفتد تا خجالت بکشند». وقتی که همه رزمندگان رد شدند، تکه‌های گوشت آن برادران را از لای سیم خاردار در می‌آوردند!

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۶ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ترجمه عباس عزیزی؛ چاپ نهم، انتشارات صلاة، ۱۳۸۶ش.
۳. دهقان، اکبر؛ هزار و یک نکته اخلاقی از دانشمندان؛ چاپ اول، قم: حرم، ۱۳۹۳ش.
۴. راجی، سید محمد حسین؛ زیبایی‌ها و زشتی‌های کربلا؛ چاپ اول، مشهد: کتابستان ماجد، ۱۳۹۷ش.
۱. رجایی، غلامعلی؛ برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام؛ چاپ ششم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ش.
۵. سجادی پور، حسن؛ ققنوس و آتش؛ تهران: عابد، ۱۳۸۳ش.
۶. صدوق، محمد بن علی؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ ترجمه محمد جواد غفاری؛ چاپ اول، تهران: نشر صدوق، ۱۳۶۷ش.
۷. فروتن، طه؛ یادگاران (کتاب مهدی باکری)؛ چاپ سوم، تهران: روایت فتح، ۱۳۸۲ش.
۸. قرائتی، محسن؛ خاطرات حجت‌الاسلام قرائتی؛ چاپ ششم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۹ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. مدنی شیرازی، سید علی‌خان؛ الدرجات الرفیعه؛ قم: بصیرتی المطبعة الحیدریه و مکتبها، ۱۳۸۲ق.
۱۲. نراقی، ملا مهدی؛ جامع السعادات؛ تعلیق و تصحیح سید محمد کلانتر؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، [بی تا].

سایت‌ها و پایگاه‌ها

۱. پایگاه خبری تحلیلی شهید خبر؛ «سلام ما را به امام برسائید»؛ ۱۳۹۴/۰۴/۰۵، کد خبر: ۱۷۴۱۹.
۲. پایگاه نوبد شاهد؛ «از ایثار مال تا ایثار جان»؛ ۱۳۹۶/۰۸/۲۰، کد خبر: ۴۱۴۱۵۹.